



چکیده

برگه‌های فهرست‌نویسی ابزار عمده جست‌وجو در کتابخانه‌ها بوده و قواعد فراوانی درباره چگونگی تدوین آنها تولید شده و استانداردهایی را پیشنهاد کرده‌اند. بین‌المللی بودن این قواعد حاکی از آن است که یکسانی و هماهنگی عملکرد فهرست‌نویسان نه تنها در مقیاس کتابخانه‌ای واحد یا کتابخانه‌های یک کشور بلکه در مقیاس جهانی نیز حائز اهمیت است. سرعنوان‌های موضوعی و طرح‌های رده‌بندی نیز با این پیش‌فرض تدوین شده‌اند که میان کار فهرست‌نویسان همگونی ایجاد کرده و بدین ترتیب، جامعیت دستیابی به اطلاعات را ارتقاء بخشند. اما از سوی دیگر، علی‌رغم تلاش‌های مورد اشاره، بسیار دیده و شنیده‌ایم که بسیاری از مراجعان در بازیابی اطلاعات مورد نیاز خود ناکام مانده و یا بعضاً فهرست‌ها از قوانین یکسانی تبعیت نمی‌کنند. مقاله حاضر بر آن است تا با دو رویکرد فنی و معرفت‌شناختی پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه را مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: فهرست‌نویسی، سرعنوان موضوعی، رده‌بندی، همگونی، نمایه‌سازی، بازیابی اطلاعات، هرمنوتیک.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

هر کسی از ظنّ خود ...

دکتر نرگس نشاط



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هر کسی از ظنّ خود ...

دکتر نرگس نشاط^۱

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل ذخیره و بازیابی اطلاعات در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی سازماندهی است که پیوسته از گذشته تا امروز که فن‌آوری‌های نوین حضور قطعی دارند مطرح بوده است؛ و از جلوه‌های شناخته شده آن نیز فهرست‌هاست که در کتابخانه‌ها به صورت فهرستبرگه، و در نظام‌های پیوسته بازیابی اطلاعات به صورت رکوردهای کتاب‌شناختی، چکیده، و نمایه مورد استفاده کاربران قرار می‌گیرد. همین برگه‌های به ظاهر کوچک، در واقع، ابزار عمده جست‌وجو در کتابخانه‌ها بوده و قواعد فراوانی درباره چگونگی تدوین آنها تولید شده و استانداردهایی را پیشنهاد کرده‌اند.

مروری بر این قواعد و استانداردها نشان می‌دهد که هدف غایی همه آنها یکسان‌سازی کار فهرست‌نویسی بوده است، و بین‌المللی بودن این قواعد نیز حاکی از آن است که یکسانی و هماهنگی عملکرد فهرست‌نویسان نه تنها در مقیاس کتابخانه‌ای واحد یا کتابخانه‌های یک کشور بلکه در مقیاس جهانی نیز حائز اهمیت است. سرعنوان‌های موضوعی و طرح‌های رده‌بندی نیز با این پیش‌فرض تدوین شده‌اند که میان کار فهرست‌نویسان هماهنگی و همگونی ایجاد کنند. زیرا هرگاه ارائه اطلاعات مشابه از الگوی واحدی پیروی کند،

۱. استادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

جامعیت دستیابی به اطلاعات افزایش می‌یابد. به همین سبب است که مفهوم همگونی از حوزه فهرست‌نویسی فزاینده و در عرصه نمایه‌سازی نیز موضوع پژوهش‌های فراوان بوده است. اما علی‌رغم تلاش‌های به‌عمل آمده بسیار دیده و شنیده‌ایم که بسیاری از مراجعان در بازیابی اطلاعات مورد نیاز ناکام مانده و نمایه‌های موضوعی و شماره‌های رده‌بندی را فاقد توانایی لازم در ارائه اطلاعات مورد نیاز قلمداد کرده‌اند. علت امر چیست؟ مقاله حاضر بر آن است تا با بررسی پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه، مسئله مورد اشاره را با دو رویکرد فنی و معرفت‌شناختی مورد علت‌یابی احتمالی قرار دهد.

مروری بر مطالعات پیشین

مروری بر نوشته‌ها از سال ۱۹۶۰، نشان می‌دهد که تعداد بسیاری از پژوهش‌های منتشر شده تفاوت‌های فهرست‌نویسی را از منظر انتخاب سرشناسه، سرعنوان موضوعی و نمایه‌سازی، و رده‌بندی مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

در سال ۱۹۷۷، دونالد کوک^۱ فهرست‌نویسی توصیفی سه کتابخانه کنگره، بریتانیا، و کانادا را مورد مقایسه قرار داد و درباره سرشناسه‌های نام اشخاص در دسته‌های سه‌تایی تحقیق کرد. وی به این نتیجه دست یافت که زمانی که شورای ملی کتاب‌شناسی بریتانیا، که در حال حاضر یکی از واحدهای کتابخانه بریتانیاست، کتابخانه ملی کانادا، و کتابخانه کنگره از قوانین فهرست‌نویسی انگلوسامریکن پیروی می‌کردند انتخاب گزینه‌ها و ساخت شناسه آثار به صورت استاندارد و یکدست صورت نمی‌گرفت (کوک، ۱۹۸۴، ص ۷). وی پس از آن به بررسی بخش‌هایی از شناسه پرداخت و آنها را از نظر شباهت‌ها و تفاوت‌ها بر حسب انتخاب و ساختار طبقه‌بندی کرد. بر طبق نظر او، ۱۶/۱ درصد موارد مشابه، ۳/۳ درصد اختلاف و ناهمگونی در انتخاب شناسه‌ها، و نیز ۸۳/۸ درصد ناهمگونی و اختلاف در ساختار سرشناسه‌ها وجود دارد (کوک، ۱۹۸۴، ص ۸).

کتابخانه ملی استرالیا نیز به تحقیق در این زمینه پرداخت و برای همایش ABACUS در سال ۱۹۸۳، مقاله‌ای چهارصفحه‌ای تهیه کرد. مطالعات کتابخانه مذکور ناهمگونی ۱۶/۴ درصد موارد را نشان داد. البته موضوع مورد توجه کتابخانه ملی استرالیا، سرعنوان‌ها بود و حال آنکه کوک به بررسی پیشینه‌های کتاب‌شناختی پرداخت. بنابراین، انتظار نمی‌رود که به نتایج مشابهی دست یافته باشند.

کتابخانه کنگره نیز در رابطه با موضوعات مشابه پژوهش‌هایی انجام داده و آنها را با

1. Donald Cook

عنوان "پژوهشی در زمینه کارآیی داده‌های فهرست‌نویسی مارک در سایر کتابخانه‌ها"^۱ عرضه کرده است (کتابخانه کنگره، ۹۸۸، ص ۶۲ و ۷۸).

در مروری بر مطالعات پیشین در زمینه همگونی موضوعی، در سال ۱۹۶۱، راجرز^۲ از تلفیق عمل دو نمایه‌ساز به میانگین ۲۴ درصد همگونی رسیده است. جاکوبی^۳ (۱۹۶۲) در نمایه‌سازی پروانه‌های ثبت اختراع در حوزه شیمی، میانگین همگونی را برای نمایه‌سازان مجرب و غیرمجبرب که از ابزارهای کمکی استفاده نمی‌کنند ۱۰ درصد دانسته است.

اسلامکا^۴ و جاکوبی (۱۹۶۲) به ۳۵ درصد تا ۴۵ درصد همگونی در مورد نمایه‌سازان مجرب که از برخی ابزارهای کمکی، نظیر واژگان کنترل شده، استفاده کرده‌اند دست یافته‌اند. در گزارش دیگری، آنها در مورد نمایه‌سازان باتجربه به ۱۶/۳ درصد و در مورد نمایه‌سازان بدون تجربه به ۱۲/۶ درصد همگونی رسیده‌اند. پینتر^۵ (۱۹۶۳) به ارزش‌های ۴۰ درصد، ۴۲ درصد، ۴۸ درصد، و ۷۰ درصد همگونی، به تناسب نظام‌های نمایه‌سازی و نوع مدارک دست یافته است.

کوروتکین و الیور^۶ در مطالعه‌ای که در آن روان‌شناسان و غیرروان‌شناسان به نمایه‌سازی چکیده‌ها پرداختند، میزان همگونی را بین ۳۶ درصد تا ۵۹ درصد دانسته‌اند. زمانی همگونی به میزان ۸۰ درصد رسیده که از نمایه‌سازان خواسته شده است که از جدول‌های رده‌بندی و اصطلاحنامه‌ها استفاده کنند و آزادی آنان در استفاده از اصطلاحات خارج از آن ابزارها محدود شده یا کلاً سلب گردیده است (کوروتکین و الیور، ۱۹۶۴، ص ۷۹).

در سال ۱۹۶۵، هوپر ارزش‌های همگونی را بین ۱۰ تا ۸۰ درصد می‌داند و معتقد است که این ارزش‌ها برحسب شرایط نمایه‌سازی و ملاک‌های سنجش همگونی تغییر می‌یابد (هوپر، ۱۹۶۵، ص ۷).

مارکی^۷ (۱۹۸۴) نیز اشاره می‌کند که تنوع در نتایج و یافته‌های محققان در زمینه میزان همگونی میان نمایه‌سازان بسیار است و عواملی مانند خوانایی متن، روش سازماندهی، خستگی زمان کار یا سروصدا در محیط کار، و جز آن به نسبت‌هایی از ۴ تا ۸۲ درصد بر ناهمگونی اثرگذار است.

گلاک^۸ در تحقیقی که در سال ۱۹۹۰ انجام داده به مسائلی از قبیل تنوع و گونه‌گونی در آوانگاری تلفظ و املاء، عدم یکدستی در عناصر اطلاعاتی، و ترکیب‌های ناهمگون از

1. Investigation into the Library's Potential Use of MARC Cataloging data from Other National Libraries.

2. Ridgers

3. Jacoby

4. Slamecka

5. Painter

6. Korotkin & Oliver

7. Borko

8. Gluck

عناصر اطلاعاتی در پیشینه‌ها اشاره می‌کند (گلاک، ۱۹۹۰، ص ۴۳-۶۰).

ژیرال و تیلور^۱ در تحقیق خود، در سال ۱۹۹۳، به سنجش میزان همگونی میان نمایه Avery و نمایه نشریات معماری پرداختند و به این نتیجه دست یافته‌اند که تنها ۷/۱ واژه‌ها عیناً در دو نمایه برای مدارک یکسان به کار رفته است. برای ترکیب اصطلاحات نظیر عبارات مقلوب، استفاده از تقسیم فرعی، یا به کاربردن توضیحگر فقط ۷/۶ درصد همگونی مشاهده شده است. همچنین در مورد اولویت‌دهی به موضوعات منتخب ۳۹/۷ درصد همگونی وجود داشته است.

پری‌شل^۲ (۱۹۷۲) به توصیف میزان همگونی موضوع‌ها در میان نمایه‌سازان پرداخته است. وی نمایه‌ها (سرعنوان‌های موضوعی) را از نقطه‌نظر مترادف‌ها، مخفف‌نویسی‌ها، تلفظ‌های مختلف، و واژه‌های موجود با یکدیگر مطابقت داده است. مطالعات وی براساس آخرین بررسی‌ها و مطالعات هفده‌گانه هوپر در زمینه محاسبه مقادیر همگونی میان نمایه‌سازان صورت گرفته است. پری‌شل دلایل موجهی را برای فرمولی که هوپر (۱۹۶۵) برای سنجش همگونی ارائه کرده است مطرح می‌سازد. وی نحوه نمره‌گذاری نمایه‌های انتخاب شده، نظر متخصصان موضوعی، مهارت در نمایه‌سازی، و تعداد نمایه‌سازان، و سطح مدارک بررسی شده را مورد توجه قرار داده و معتقد است که هر یک از این عوامل می‌تواند در معنی‌دار بودن مقادیر همگونی مؤثر باشد.

در سال ۱۹۸۹، جان^۳ به بررسی نمایه‌سازان در بهره‌گیری از سرعنوان موضوعی پرداخته و از این نظر میزان همگونی را در پیشینه‌های کتاب‌شناختی مارک مورد مطالعه قرار داده و کتابخانه کنگره را با دیگر کتابخانه‌ها مقایسه کرده است.

یاسار تونتا^۴ (۱۹۹۱) در مقاله‌ای به بررسی میزان همگونی نمایه‌سازی و امکان تأثیرگذاری آن بر بازیابی اطلاعات پرداخته و به همین جهت نمایه‌سازی دو کتابخانه کنگره و کتابخانه بریتانیا را با یکدیگر مقایسه کرده است. ارزیابی همگونی موضوع‌ها در این مقاله در مورد ۸۲ عنوان مربوط به حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی که در سال ۱۹۸۷ منتشر شده بودند انجام گرفته است. بدین منظور، سرعنوان‌های موضوعی هر عنوان که توسط فهرست‌نویسان کتابخانه‌های فوق تعیین شده، در کتابخانه کنگره ثبت شده مورد مقایسه قرار گرفته است. در این پژوهش با استفاده از معادله هوپر (همگونی نظیر به نظیر)^۵ ارزش متوسط همگونی در نمایه‌سازی به میزان ۱۶ درصد محاسبه شده است. با

1. Giral and Taylor
2. Preschel
3. John
4. Yasar Tonta
5. Consistency of a pair

بررسی عناوین و سرعنوان‌های موضوعی مربوط معلوم شد که نمایه‌سازان تعابیر متفاوتی برای رکورد واحدی داشته‌اند. به عبارت دیگر، از نظر گزینش اصطلاح مرجح با یکدیگر اختلاف دارند (تونتا، ۱۹۹۱، ص ۱۷۷-۱۸۰). این تحقیق همچنین نشان داد که کتابخانه کنگره برای هر عنوان به‌طور متوسط ۳/۴۴ سرعنوان موضوعی تعیین کرده است که این نسبت در کتابخانه بریتانیا برابر ۱/۵۵ بوده است.

در تحقیق دیگری مارتا راسل^۱ (۱۹۹۱) به بررسی میزان همگونی سرعنوان‌های موضوعی در زمینه موضوعات مربوط به جوانان پرداخته و به این منظور سرعنوان موضوعی سیرز و سرعنوان موضوعی کتابخانه کنگره را با یکدیگر مقایسه کرده است. در این تحقیق به موارد ناهمگون در بخش‌های فرعی زبان فرانسوی، اسپانیایی، و حوزه ادبیات اشاره شده است.

در سال ۱۹۹۲ ادگار جونز^۲ به مقایسه فهرست‌نویسی تک‌نگاشت‌ها در کتابخانه کنگره و کتابخانه بریتانیا پرداخت و میزان همگونی در انتخاب و ساختار سرشناسه‌ها را در دو مؤسسه تولید کتاب‌شناسی ملی بررسی کرد. وی به این نتیجه دست یافت که سرشناسه‌های مورد بررسی تنها ۶۰ تا ۷۰ درصد از نظر انتخاب و ساختار با یکدیگر همگونی داشته‌اند. از ۲۷۸ پیشینه کتاب‌شناختی، ۱۸۰ پیشینه با یکدیگر شباهت داشته و در ۹۸ مورد برای یک شخص سرشناسه‌های مختلفی نوشته شده بود. ۲۵ مورد از سرشناسه‌های نام از نظر طولانی‌بودن عبارت با یکدیگر تفاوت داشتند. از ۲۵ مورد، ۸ مورد نیز در بعضی از قسمت‌ها با یکدیگر اختلاف داشتند که بیشتر به سبب پیروی از خط‌مشی کتابخانه کنگره در زمینه سرشناسه‌هایی که قبل از اجرای برنامه AACR^۲ در سال ۱۹۸۱ به کار می‌رفت به وجود آمده بود. از ۳۵ سرشناسه که از نظر داشتن یا نداشتن ساختار کامل اسمی با یکدیگر اختلاف داشتند، ۲۵ مورد از سرشناسه‌های کتابخانه بریتانیا به صورت ساختار کامل اسمی نوشته شده بود؛ در حالی که فقط ۵ مورد مشابه در سرشناسه‌های کتابخانه کنگره دیده می‌شد. ۴ سرشناسه نیز از نظر ساختار کامل اسم با یکدیگر اختلاف داشتند (جونز، ۱۹۹۲، ص ۲۰۹-۲۲۲).

در این زمان، دوروتی گریگور^۳ و کارول مندل^۴ مقاله‌ای با عنوان "فهرست‌نویسی باید تغییر کند"^۵ منتشر کردند که سبب معطوف شدن توجه عموم به این مسئله گردید. آنها اشاره می‌کنند که فقط ۱۰ تا ۲۰ درصد فهرست‌نویسان با سرعنوان‌های موضوعی مندرج در سرعنوان موضوعی کتابخانه کنگره توافق دارند؛ زیرا موضوع‌ها از همگونی و

1. Martha A. Russell
2. Edgar A. Jones
3. Dorothy Gregor
4. Carol Mandel
5. Cataloging Must Change

سازگاری لازم برخوردار نیستند.

اولسن^۱ در مقاله‌ای با نام "مستندسازی در قرن ۲۱" به نقل از متخصصان علوم سیاسی اشاره می‌کند که علم مستندسازی، در واقع اجبار افراد به تبعیت و قبول قواعد است (اولسن، ۲۰۰۲، ص ۲). این مدل حاکمیت - تابعیت در فهرست‌های کتابخانه‌ای بدان معناست که مدخل‌های پیشینه‌های کتابشناختی باید با شناسه‌های مستند همانند باشد. پیش فرض نظام‌هایی که از فهرست مستند استفاده می‌کنند آن است که چنین زبانی مورد قبول همگان است و برای غلبه بر آشفتگی شیوه‌های عرضه اطلاعات الزام‌آور است.

در ایران نیز در سال ۱۳۸۱، پژوهشی توسط نگارنده بر روی ۱۵۰۰۰۰ فهرستبرگه فارسی کتابخانه‌های دانشگاهی و مراکز پژوهشی حوزه ایران‌شناسی انجام گرفت، و با استفاده از فرمول هوپر میزان همگونی آنها با برگه‌های فهرست‌نویسی کتابخانه ملی ایران محاسبه گردید (نشاط، ۱۳۸۱). یافته‌های این تحقیق نشان داد که از نظر انتخاب سرشناسه مؤلف، ۶۷ درصد کتابخانه‌ها با یکدیگر توافق داشته‌اند. اما، در تعداد موضوع‌های متناسب به مدارک و نیز انتخاب ساختار موضوع و اولویت‌دهی به موضوع‌ها، میزان همگونی به کمتر از ۵۰ درصد رسیده است؛ و ۷۵ درصد کتابخانه‌ها بین ۸۵ > ۶۰ درصد ناهمگونی داشته‌اند. بیشترین عدم توافق فهرست‌نویسان در این مقوله به ترتیب به تعداد، ساختار، و اولویت موضوعی اختصاص داشته است. از نظر شماره رده‌بندی و اجزاء و عناصر آن (درجه کل‌نگری، جزء‌نگری، و شماره راهنما) نیز ۷۵ درصد کتابخانه‌ها ۹۷ > ۶۰ درصد ناهمگون بوده‌اند. به عبارت دیگر، ناهمگونی در رده‌بندی بیش از موضوع، و ناهمگونی موضوعی بیش از سرشناسه مؤلف خود را نشان داده است. از سوی دیگر، مشخص گردید که بیشترین ناهمگونی سرشناسه مؤلف به رده ادبیات و کمترین آن به علوم محض؛ و بیشترین ناهمگونی در موضوع و شماره رده‌بندی به رده فلسفه و زبان تعلق داشته و توافق کمتری در میان آراء فهرست‌نویسان در این رده‌ها مشاهده شده است. نکته قابل توجه در تحقیق مورد اشاره آن بود که در مورد سرشناسه مؤلف معمولاً فهرست‌نویس به مستند مشاهیر فارسی و یا در مورد کتاب‌های ترجمه‌ای به مستندات در زبان فرنگی مراجعه می‌کند و در این مورد، باب تفسیر چندان باز نیست و چنانچه نامی در مستندات موجود باشد همان است و غیر از آن نیست؛ اما در مورد سرعنوان‌های موضوعی و شماره‌های رده‌بندی برخی قواعد را می‌توان به انحاء

مختلف تفسیر کرد.

در پژوهش دیگری در سال ۱۳۸۳، میزان همگونی برگه‌های فهرست‌نویسی پیش از انتشار در کتابخانه ملی سنجیده شد (عزیزیان، ۱۳۸۳). یافته‌های این پژوهش ۴۵ درصد ناهمگونی در موضوعات منتسب به مدارک یکسان را نشان می‌دهد. بیشترین ناهمگونی مربوط به تعداد موضوع‌ها و پس از آن ساختار انتخاب شده برای موضوع بوده است. یافته‌های دیگر این تحقیق همچنین به ۲۹/۹ درصد ناهمگونی در رده‌بندی؛ ۲۱/۳۴ درصد ناهمگونی در عنوان؛ و ۱۰/۷۵ درصد ناهمگونی در سرشناسه مؤلف اشاره می‌کند.

در نظام‌های کنترل واژگان (سرعنوان‌های موضوعی) کلمات یا اصطلاحاتی خاص که به منزله عبارات نمایه موضوعی تعیین شده‌اند به هر پیشینه اختصاص می‌یابند. هر عبارت به‌طور معمول تنها یک موضوع را معرفی می‌کند، و یک موضوع معین به‌طور معمول به‌وسیله تنها یک عبارت معرفی می‌شود.

هر نظام بازیابی که از واژگان کنترل شده بهره می‌گیرد و دستگاه ارجاعات متقابل را ارائه می‌دهد، از نظام کنترل شده و مستند موضوعی^۱ بهره می‌گیرد. نظام‌های مستند موضوعی دو هدف عمده را دنبال می‌کنند: تضمین یکپارچگی و یکدستی در واژگان سرعنوان‌های موضوعی و ارجاعات متقابل.

صرف نظر از اینکه فهرست‌نویسی موضوعی در چه نظام دستیابی موضوعی صورت می‌گیرد، تحلیل موضوعی اثر یا مدرکی خاص اساساً سه مرحله را شامل می‌شود: (۱) تعیین محتوای موضوعی کلی اثر در دست فهرست؛ (۲) شناسایی موضوعات متعدد و یا جنبه‌های موضوعی و روابط میان آنها؛ و (۳) معرفی هر دوی این موارد به زبان فهرست سرعنوان‌های موضوعی مورد استفاده.

تقریباً بدیهی است که هرگاه دو فهرست‌نویس متن واحدی را موضوع‌دهی کنند، مجموعه‌ای از اصطلاحات نمایه‌ای یا موضوعی را برمی‌گزینند که به احتمال زیاد همسان نیستند. به بیان دیگر، هرگاه یک فرد اصطلاحات تعلق یافته به مدارک واحدی را که توسط دو نمایه‌ساز صورت گرفته مقایسه کند، درمی‌یابد که، علی‌القاعده، نمایه‌سازان یا فهرست‌نویسان در داوری خود برای عرضه مناسب‌تر محتوای مدرک اختلاف نظر دارند. روشن است که این اختلاف نظر ناشی از عدم قطعیتی است که در هر نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات وجود دارد. گرچه در یک نظام اطلاع‌رسانی معمولاً

1. Subject authority control

مدارک یکسانی نمی‌توان یافت که توسط دو یا چند نمایه‌ساز موضوع‌دهی شده باشد، لیکن در متون هم موضوع گاه اختلاف‌نظر چنان است که شباهت موضوعی آنها را نمی‌توان از طریق موضوعات داده شده به آنها دریافت.

از آن‌جا که همگونی (یا ناهمگونی) در شباهت (یا عدم شباهت) موضوع‌های داده شده به مدرکی واحد توسط نمایه‌سازان مختلف منعکس می‌شود، و از آن‌جا که موضوعات داده شده به مدرک توسط نمایه‌ساز، منعکس‌کننده نوع داوری وی نسبت به اطلاعات مندرج در مدرک است؛ همگونی را می‌توان اساساً وسیله اندازه‌گیری (سنجش) میزان شباهت یا عدم شباهت واکنش افراد مختلف در پردازش اطلاعات یکسان دانست. به بیانی روشن‌تر، همگونی موضوع‌دهی در میان گروهی از فهرست‌نویسان یا نمایه‌سازان را می‌توان به میزان توافق در ارائه اطلاعات اساسی محتوای مدرک به وسیله اصطلاحات انتخاب شده توسط افراد به‌طور مستقل تعبیر کرد (زاند و دکستر^۱، ۱۹۸۴، ص ۵۴۷).

گاه موضوعات داده شده به متون برای شخصی که آنها را تعیین می‌کند قانع‌کننده و قابل درک است، اما معمولاً برای دیگران به راحتی قابل استفاده نیست. به بیان دیگر، موضوع‌دهی از نقطه‌نظر فهرست‌نویس یا نمایه‌ساز عنصر مؤثری برای اوست، اما ابزار مؤثری برای ارتباط نیست.

بحث و نظر

با نگاه مجدد به یافته‌های پژوهش‌های انجام گرفته، مسئله مورد بررسی را می‌توان با دو رویکرد تبیین کرد: نخست، رویکرد فنی؛ و دیگری رویکرد معرفت‌شناسانه.

الف. رویکرد فنی

فهرست‌های کتابخانه‌ای رویکردی موضوعی به پیشینه‌های موجود در نظام را از طریق نقاط بازیابی که معرف محتوای موضوعی هستند فراهم می‌آورند. دیورد بلیر^۲ به تفاوت میان دسترسی فیزیکی و منطقی معتقد است و می‌گوید: "وقتی کتابی را با شماره رده‌بندی بازیابی می‌کنیم این مرحله دسترسی فیزیکی کتاب است ولی پی‌بردن به این نکته که این کتاب تا چه حد نیاز اطلاعاتی مراجعه‌کنندگان را برطرف می‌سازد مرحله دسترسی منطقی است". هر نظام اطلاعاتی زمانی موفق است که

1. Zande & Dexter

2. Diverd Belir

توانایی بازگشودن نقاط دستیابی موضوعی را به شیوه مطلوب داشته باشد (نشاط، ۱۳۷۳، ص ۶۵).

ویکری^۱ برای تشخیص و توصیف موضوعی مدارک سه مرحله قائل است: الف) توصیف موضوع با بررسی متن و انتخاب تعدادی کلمه، عبارت، یا جمله که به صورت جمعی مبین موضوع هستند؛ ب) تصمیم در این خصوص که کدام یک از این توصیف‌های موضوعی ارزش حفظ و ذکر در بازیابی را دارند؛ ج) تبدیل توصیف‌های موضوعی مرتبط به توصیفگرهای استاندارد و مطابق با زبان سیستم. مطابق این گفتار، که به خوبی روند تعیین سرعنوان موضوعی را در هر دو نظام دستی و ماشینی بیان کرده، این فرایند عبارت است از تطبیق دادن موضوع مدرکی خاص با ساختار زبانی نظامی که در بازیابی مورد استفاده واقع می‌شود (کرایست^۲، ۱۹۷۲، ص ۱۹-۲۰). در فرآیند موضوع‌دهی هدف این است که استفاده‌کننده بیشترین اطلاعات مرتبط با درخواستش را با صرف حداقل کوشش و کمترین میزان مطالب نامربوط به دست آورد (فینبرگ^۳، ۱۹۷۳، ص ۱۱۲). بنابراین، موضوع‌سازی فقط وسیله‌ای برای تفسیر مدارک نیست، بلکه بایستی آنها را به روشی تفسیر کرد که کاوش اطلاعاتی تسهیل گردد (اسپارک^۴، ۱۹۷۳، ص ۷۱). هر فهرست یا نمایه‌ای را می‌توان از دو دیدگاه: الف) فلسفه ذخیره‌سازی؛ و ب) فلسفه بازیابی مورد بررسی قرار داد.

از دیدگاه بازیابی، شرط لازم برای موفقیت در یک جست‌وجوی موضوعی بستگی به میزان ارتباط میان واژگان به کار رفته توسط استفاده‌کننده و واژگان مورد بهره‌برداری در سیستم دارد. شکست در ایجاد چنین تطابقی موجب کاهش جامعیت در مواد مرتبط می‌گردد. این شکست ممکن است به یکی از سه دلیل زیر اتفاق بیفتد:

۱. نویسنده، موضوع اثر خود را به وضوح بیان نکرده، و یا فهرست‌نویس توانایی فهم و درک موضوع را نداشته باشد؛

۲. ساختار جست‌وجوی موضوعی در نظام مورد نظر به گونه‌ای طراحی شده که استفاده‌کننده نمی‌تواند از آن به سادگی بهره‌مند گردد؛

۳. فن‌آوری به کار رفته در نظام جهت ذخیره موضوعی و بازیابی از آن، کارایی نداشته باشد (اودی^۵، ۱۹۹۶، ص ۷۲).

رده‌بندی، انتخاب سرعنوان‌های موضوعی، و شناسایی مفاهیم اصلی با فرایند فکری مشابهی آغاز می‌شوند: تعیین محتوای موضوعی و شناسایی مفاهیم اصلی در اثر

1. Vicery
2. Christ
3. Feinberg
4. Sparck
5. Oddy

در دست بررسی. با این اختلاف که در موضوع دهی، محتوای یک اثر با عبارات شفاهی نشان داده می‌شود و حال آنکه در رده‌بندی این نشانه است که حامل معناست.

نکته‌ای که در تحقیقات پیشین مشاهده گردید درصد پایین همگونی میان موضوع‌ها از نظر ساختار انتخاب شده است. یعنی برخی از عبارات مقلوب استفاده کرده، برخی دیگر برای ترکیب موضوع‌ها از خط تیره و صفت‌های اسمی سود جست، بعضی از آنها به شکل طبیعی وارد شده است، و برخی نیز اساساً از موضوعات دیگری استفاده کرده‌اند. این بدان معناست که فهرست‌نویسان با گذشت ۱۹ سال از نخستین چاپ سرعنوان‌های موضوعی هنوز نتوانسته‌اند خود را با ترکیبات موضوعی سرعنوان مانوس سازند و اتفاق نظر ندارند.

از نظر کاتر، مهم‌ترین ملاحظات در فهرست‌نویسی مواد کتابخانه‌ای علائق استفاده‌کننده تلقی شده است. وی این اصل را "راحتی عموم" نامیده است (کاتر، ۱۹۰۴، ص ۶). مطابق این اصل استفاده‌عموم عنصر تعیین‌کننده مهمی در گزینش عبارات و اشکال سرعنوان موضوعی است، و این پیشنهاد وی گرچه از نقطه نظر عموم پذیرفتنی است ولی از نظر اجرا با سرعنوان موضوعی و ترکیبات از پیش تعیین شده آن همخوانی ندارد. وقتی فهرست‌نویسان خود با یکدیگر بر سر انتخاب ساختار توافق ندارند و هر یک ساختار متفاوتی را برگزیده‌اند چگونه می‌توان به راحتی استفاده‌کننده از فهرست موضوعی اندیشید که با انبوهی از ترکیب‌های متفاوت مواجه است. از سوی دیگر، در تحقیقات گذشته، علی‌رغم تأکید پیوسته بر استفاده از واژگان کنترل شده به منظور ابزاری برای کاهش ناهمگونی، نمی‌توان از اختلاف‌های موجود چشم پوشید. کاتر بر سه محور تأکید دارد: استفاده‌کننده، زبان معیار، و ساختار مرتبه‌ای. اولسن معتقد است که این سه محور الزاماً نمی‌توانند همسو شوند و قواعد کاتر بیش از آنکه دلخواه استفاده‌کننده باشد فهرست‌نویسان می‌پندارند که برای استفاده‌کننده مفید است (اولسن، ۲۰۰۱، ص ۳).

این تعبیر که رده‌بندی مواد هم موضوع را با هم گروه‌بندی می‌کند نیز ساده‌انگارانه است. در حقیقت هر دو رده‌بندی دهدهی دیویی و رده‌بندی کتابخانه کنگره امریکا رده‌بندی‌هایی بر اساس رشته هستند (جان، ۱۳۸۰). تقسیم رده‌های اصلی و رده‌های فرعی، بر اساس رشته‌های دانشگاهی یا بر اساس رشته‌های تحصیلی است تا اینکه بر اساس موضوع و محتوا باشد. مفهوم چنین تقسیمی آن است که همان موضوع ممکن است در بیش از یک مکان در طرح رده‌بندی شود. به طور مثال، "خانواده" بر اساس رویکرد نویسنده و نقطه نظر وی ممکن است در اخلاقیات، دین، جامعه‌شناسی، آداب و

رسوم اجتماعی، برنامه‌ریزی خانواده، اقتصاد خانواده، یا تبارشناسی رده‌بندی شود. علاوه بر آن، مفهوم رشته تحصیلی اساساً در حال تغییر است. بنابراین، در چنین موقعیتی به نظر می‌رسد که میزان ناهمگونی نیز افزایش یابد.

از سوی دیگر، با نگاهی به قواعد انگلوامریکن مشاهده می‌گردد که این راهنما نیز دارای قواعد اختیاری و قواعدی است که می‌توان آن را به صورت‌های مختلف تفسیر کرد و هر کتابخانه بر اساس ملاحظات داخلی خود به تصمیم‌گیری می‌پردازد. جهت حصول اطمینان از یکدستی در کاربرد این قواعد، کتابخانه کنگره تصمیمات خود پیرامون قواعد اختیاری، و تفسیرها را در خبرنامه خدمات فهرست‌نویسی منتشر می‌کند. این تصمیم‌ها در نشریه‌ای^۱ به نام تفسیرهای قواعد کتابخانه کنگره نیز در هم‌کرد می‌شود. کتابخانه‌هایی که از داده‌های فهرست‌نویسی کتابخانه کنگره استفاده می‌کنند جهت حفظ یکپارچگی بین فهرست خود و فهرست این کتابخانه به‌طور مرتب به نشریه مورد اشاره رجوع می‌کنند. اما این نکته نیز حائز اهمیت است که هر فرهنگی و هر گروهی مجموعه پیش‌فرض‌های خاص خود را در سازماندهی به کار می‌گیرد که الزاماً با دیگری مشترک نیست.

به هر حال، بسیار دشوار است که دو نفر که به کار فهرست‌نویسی اشتغال دارند یا حتی یک نفر در دو زمان متفاوت، در باب موضوع مدرکی واحد به توافق برسند. در سال ۱۹۶۸، پاتریک ویلسون^۲ این مطلب را به تفصیل مورد بحث قرار داده است (ویلسون، ۱۹۸۵، ص ۳۱۲-۳۲۵). وی به این نکته اشاره می‌کند که روش‌های افراد در فهم یک مطلب و موضوع نیز متفاوت است؛ و روش‌های متفاوت درک و فهم مطلب نیز الزاماً به درک واحدی از موضوع مدارک نمی‌انجامد. مطالعاتی می‌توان یافت که بر ناهمگونی در درک موضوع متون توسط افراد مختلف تأکید ورزیده‌اند (لیلی^۳، ۱۹۸۶).

مفهوم همگونی، به تعبیری دیگر، با مفهوم ربط^۴ نیز پیوند دارد. معمولاً ربط را شاخص همبستگی میان نظام اطلاعاتی و جوینده اطلاعات می‌دانند، اما می‌توان میان توصیفگرهای موضوعی و محتوای مدرک نیز چنین پیوستگی را مورد ارزیابی قرار داد. هر فردی که به سازماندهی می‌پردازد، برای محتوای مدرک، توصیفگر یا سرعنوانی را برمی‌گزیند که می‌پندارد منعکس‌کننده مفهوم و مضمون آن مدرک است. طبعاً رابطه میان یک مفهوم یا مضمون و اصطلاح‌گزیده شده برای بیان آن، از جمله مسائل مهم در فهرست‌نویسی یا هرگونه سازماندهی است. بدین ترتیب، زمانی که دو یا چند نفر، به‌طور

1. Cataloging Service Bulletin, No. 1.
2. Patrick Wilson
3. Liely
4. Relevant

جداگانه، توصیف‌گری را برای مدرکی واحد تعیین می‌کنند، باور دارند که اصطلاح انتخاب شده آنها ناظر بر معنی و مضمون مدرک است. بنابراین، می‌توان گفت که میزان همگونی میان اصطلاحاتی که آنان برای مدرکی واحد برگزیده‌اند، نشان می‌دهد که تا چه حد نسبت به دریافت و انعکاس درست مفاهیم مدرک اتفاق نظر داشته‌اند. با این تعبیر، همگونی، در واقع، درجه توافقی سازمان‌دهندگان منابع در درک و انعکاس محتوای مدارک است. آنچه از تحقیقات پیشین مشاهده گردید درجه ضعیف این توافق است که ممکن است ناشی از اختلاف در تجربیات و مهارت‌های عملی، دانش و تخصص علمی، عوامل محیطی و انگیزشی، محدودیت‌های اداری و سازمانی و مانند آن باشد.

ب. رویکرد معرفت‌شناسانه

نیچه بر این اعتقاد است که هر چیزی قابل تفسیر است. هر نوع واقعیتی را که در نظر بگیریم همراه با تفسیر است (نیچه، ۱۳۷۹). ما به هر واقعیتی از نظرگاه خاصی می‌نگریم و پیش‌فرض‌های ما در فهم واقعیات دخالت اساسی دارند. از آن‌جا که هیچ حقیقتی ورای دیدگاه‌ها و تفسیر ما وجود ندارد، نمی‌توان برای هیچ متنی معنای واحدی در نظر گرفت. هر کس بر اساس دیدگاه و رویکرد خاص خود امور عالم را تفسیر می‌کند و حتی نیازهای ماست که موجب تفسیر جهان می‌شود. به‌طور مثال، کتاب‌هایی که در کتابخانه پزشکی فهرست می‌شوند با آنها که در یک کتابخانه عمومی قرار دارند از نظر موضوع متفاوتند. یک کتابخانه از منظر مراجعان و نیاز جامعه استفاده‌کننده کتابی را در گروه "خون - بیماری‌ها" قرار می‌دهد و حال آنکه همین کتاب در کتابخانه دیگر به جنبه‌های دیگر موضوع می‌نگرد. همچنین هر فرد راهبردهای جست‌وجو و ارزیابی نتایج را بر اساس مشخصه‌های حرفه‌ای، قومی، و سایر پیشداشته‌های خود به کار می‌برد. تا آن‌جا که واژه "شناخت" معنایی دارد، داده نیز شناخت‌پذیر است؛ اما از سوی دیگر تفسیرپذیر نیز هست. بنابراین، پشت خود نه یک معنا، که معانی بی‌شمار دارد. از آن‌جا که دیدگاه‌ها و نظرگاه‌های مختلف وجود دارد، لذا موضوع‌ها کثرت‌پذیرند. از سوی دیگر، همان‌طور که اشاره شد، هیچ‌گاه کاربر با ذهنی خالی به سراغ متن یا موضوع خاص نمی‌رود؛ بلکه با مجموعه‌ای از پیشداوری‌ها^۱، پرسش‌ها، و انتظارات خاص به کاوش می‌پردازد و هرگونه پیشداوری به موقعیت فرهنگی و ذهنی فرد بستگی دارد (نشاط، ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۳، ص ۲۳). پیشداوری‌ها نه تنها مانع فهم، که ابزار ضروری برای آن به‌شمار

می‌روند. به گفته گادامر آغاز هرگونه فهمی با پیشداوری است و هیچ راه و روشی هم برای حذف آن وجود ندارد (نصری، ۱۳۸۱). کاربر دارای افق معنایی خاصی است که با افق معنایی متن متفاوت است و عمل فهم نیز با درهم آمیختگی این دو افق^۱ صورت می‌پذیرد. حال در نظر بگیریم که نمایه‌ساز یا فهرست‌نویس، به عنوان میانجی، با استفاده از سرعنوان موضوعی بین نظام و کاربر ارتباط برقرار می‌کند. در این حالت، از یک سو با افق معنایی فهرست‌نویس و نمایه‌ساز مواجهیم که ممکن است با افق معنایی نظام (متن) همسو نباشد؛ و از سوی دیگر، افق معنایی کاربر را داریم که با هیچ‌یک از دو مورد پیش‌گفته همسو نیست. بدین ترتیب، چگونه می‌توان پذیرفت که این عمل به سود مراجعه‌کننده یا کاربر خواهد بود. در این حالت معنای متن، به یک مفهوم، معنایی است که مفسر (نمایه‌ساز یا فهرست‌نویس) به آن می‌بخشد؛ زیرا متن را در وضعیت خاص خودش در برابر پرسشی قرار می‌دهد و با انتظارات از پیش تعیین‌شده‌ای به تبیین موضوعی آن می‌پردازد. فهرست‌نویسان و کاربران در هر عصر و دوره‌ای پرسش‌های خاصی را بر متن مطرح می‌کنند. همه افراد نیز از پرسش‌های واحد و ثابتی برخوردار نیستند تا متن پاسخ یکسان به همه آنها بدهد. در این فرایند، گذشته و حال با یکدیگر پیوند می‌خورند، و از آن‌جا که هر برداشتی از متن یا نظام جست‌وجو متعلق به زمان خود است، هیچ‌گاه قصد مؤلف نصیب کاربر نخواهد شد و با توجه به ویژگی تاریخمندی فهم و نیازهای اطلاعاتی، متن در هر زمانی معنایی جدید را افاده می‌کند. سوپیه کاربردی فهم و آگاهی مستلزم آن است که دعاوی یک متن یا اثر در هر لحظه و در هر موقعیت به گونه‌ای نو و متفاوت فهم شود؛ زیرا فهم چیزی نیست جز کاربرد، و این امر با توجه به وضعیت و موقعیت کاربر تغییر می‌کند.

فهرست‌نویسی و نمایه‌سازی مبحثی است که با نشانه‌شناسی^۲ و معناشناسی^۳ نیز ارتباط پیدا می‌کند. در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی، معناشناسی دارای اهمیت ویژه‌ای است، زیرا نمایه‌ها - به عنوان ابزار دستیابی به مجموعه‌های اطلاعاتی - از نظر زبان‌شناسی، مشخص‌ترین واحدهای زبانی هستند. معناشناسی عمومی، که با کورزیسکی^۴ و هایاکاوا^۵ آغاز می‌شود به عنوان مطالعه‌ای کاملاً رفتاری در ابعاد اجتماعی زبان متمرکز می‌شود (دیلی^۶، ۱۹۸۳، ج ۲۷، ص ۲۱۰). معناشناسی در مفهوم فلسفی با رویکردی به حقیقت و نیز با موضوعات زبان به عنوان ابزار ارجاع وابستگی دارد. این مسائل، در

1. Fusion of horizon
2. Semiology
3. Semantics
4. Korzybski
5. Hayakawa
6. Daily

مجموع ویژگی‌های مشخص سرعنوان‌های موضوعی و انتساب موضوع به مدارک را تبیین می‌کنند. زبان‌ها به دگرگونی کامل گرایش دارند. به همین سبب نمونه‌های کهن گفتاری پس از زمانی چشمگیر غیرقابل فهم می‌گردند. الگوهای آوایی به کندی دگرگون می‌شوند، و الگوهای دستوری نسبتاً سریع تغییر می‌کنند؛ اما قراردادهایی که معنا را به واژه و عبارت انتقال می‌دهند با شتاب شگفت‌آوری دگرگونی می‌پذیرند. از سوی دیگر، جامعه‌زبانی و شبکه‌ارتباطی به عنوان عاملی بزرگ به این دگرگونی هرچه بیشتر شتاب می‌بخشد. این ویژگی‌های زبان درجه‌عملکرد نظام‌های تحلیل موضوعی را نشان می‌دهد.

از نظر پُل ریکور در مطالعه‌ی یک متن باید هم به بعد نشانه‌شناسی و هم به بعد معناشناسی آن توجه داشت (ریکور، ۱۳۷۳). درک الفاظ متن مربوط به نشانه‌شناسی است که با روش ساختارگرایی و استفاده از زبان‌شناسی امکان‌پذیر است؛ اما در معناشناسی با نظام زبانی متن روبه‌رو هستیم و به کمک آن به معنای الفاظ متن می‌پردازیم. این بُعد مربوط به درک مفاد و محتوای متن است که با گفتمان حاصل می‌شود و پیام‌های متن در چارچوب گفتمان آشکار می‌گردد. از آن‌جا که این مرحله نیز بی‌ارتباط با پیش‌ذهنیت مفسر نیست، لذا فهم متن نیز همراه با پیش‌فرض‌های اوست (نیچه، ۱۳۷۹، ص ۱۱۴).

بنابراین، اختلاف برداشت‌ها واقعیتی غیرقابل انکار است. اینکه گاه در مورد شناسایی یک واقعیت با آراء گوناگون مواجه می‌شویم، مطلبی است که تاریخ علم و فلسفه نیز بزرگ‌ترین گواه آن است. همان‌طور که مولانا می‌گوید:

هر کسی از ظنّ خود شد یار من از درون من نجست اسرار من

یا

از نظرگه دیدشان شد مختلف این یکی "دالش" لقب داد آن "الف"
معرفت‌شناسان عوامل بسیاری را در این باب مؤثر دانسته که بعضاً عبارتند از:

- تفاوت ظرفیت فکری افراد یا توانمندی‌های ذهنی آنها؛

- اندوخته‌های ذهنی؛

- تأثیر نسبی محیط فرهنگی و اجتماعی؛

- سوگیری و اتخاذ موقعیت‌های متنوع در ارتباط با واقعیات؛

- کثرت نظام‌های مختلف معرفتی؛

- پیش‌فرض‌ها و پیشداوری‌ها؛

- منظرها و رویکردهای متفاوت.

مآخذ

ریکور، پل (۱۳۷۳). *زندگی در دنیای متن ...*. ترجمه بابک احمدی. تهران: نشر مرکز. عزیزیان، نرگس (۱۳۸۳). "بررسی میزان همگونی فهرستنویسی پیش از انتشار در کتابخانه ملی ۷۷-۸۰". پایان‌نامه فوق‌لیسانس کتابداری و اطلاع‌رسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی.

نشاط، نرگس (۱۳۷۳). "بررسی وضعیت موضوع‌دهی به کتاب‌های فارسی در کتابشناسی ملی ایران". پیام کتابخانه. س. چهارم، ۱ و ۲ (بهار و تابستان): ۶۵-۷۶.

_____ (۱۳۸۱). "بررسی میزان همگونی فهرستنویسی در کتابخانه‌های دانشگاهی و مراکز پژوهشی و مقایسه آن با کتابخانه ملی ایران". رساله دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی. واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی.

_____ (۱۳۸۳). "جستارهای هرمنوتیکی در علم اطلاع‌رسانی". اطلاع‌شناسی. س. اول، ۳ (بهار): ۱۷-۳۶.

_____ (۱۳۸۲). "هرمنوتیک و بازیابی اطلاعات". اطلاع‌شناسی. س. اول، ۲ (زمستان): ۳۱-۴۷.

نصری، عبدالله (۱۳۸۱). "راز متن (هرمنوتیک، قرائت‌پذیری متن)". تهران: آفتاب توسعه. نیچه، فردریش (۱۳۷۹). "هرمنوتیک مدرن: گزینه جستارها". ترجمه بابک احمدی. تهران: نشر مرکز.

ALA Catalog Rules: Author and Title Entries (1941). Preliminary American, 2nd ed. Chicago: American Library Association.

Anderson, Dorothy (1974). *Universal Bibliographic Control: A Longterm Policy, a plan for Action*. Pullach/ Munchen: Verlag Dokumentaion.

Bloom field, B.C. (1988). "Report of the work of the section on bibliography 1987-88". *International Cataloging and Bibliographic Control*. 17, PP. 54-55.

- Carpenter, Michael (1989). "Main entry". In *The Conceptual Foundations of Descriptive Cataloging*. ed. by Elain Svenonius. New York: Academic Press, PP. 73-96.
- Chan, L.M. (1989). "Inter-indexer consistency in subject cataloging". *Information - Technology & Libraries*. 7 (2): 349-358.
- Christ, John (1972). *Concepts and Subject Headings: Their Relation in Information Retrieval and Library Science*. Metuchen: Scarecrow Press.
- Cook, Charles Donald (1977). "The effectiveness of the Anglo-American Cataloging Rules in achieving Standardization of Choice ... D.L.S. Diss. Colombia University.
- Cook, Charles Donald (1987). "Headings for corporate names: international standardization under AACR". *Library Resources & Technical Services*. 28, PP. 239-252.
- Cutter, Charles Ammi (1953). *Rules for Dictionary Catalog*. 4 th ed. London: The Library Association.
- Daily, Jay (1983). "Semantic". *Encyclopedia in Library & Information Science*, Vol. 27, pp. 209-215.
- Delsey, Tom (1939). "Standard for descriptive cataloging". In *Conceptual Foundation of Descriptive Cataloging*. New York: Academic Press, PP. 51-60.
- Giral, Angela; Taylor, Arlene G. (1993). "Indexing overlap and consistency between the Avery Index to Architectural Periodicals and the Architectural Periodicals Index". *LRTS*. 37(2): 19-43.
- Gluk, Myke (1990). "A review of journal coverage overlap with an extension to the definition of overlap". *Journal of the American Society for Information Science*. 41 (1): 43-60.
- Hooper, R.S. (1965). *Indexer Consistency and Utilization*. Bethesda, Md: IBM Corp.
- Jacoby, J. (1962). *Methodology for Indexer Reliability Texts*. Bethesda, Maryland:

Documentation, Inc.

Jacoby, J; Slamecka, V. (1962). *Indexer Consistency under Minimal Conditions*.

Bethesda, Maryland: Documentation, Inc.

Jones, Edgar (1992). "Consistency in choice and form of main entry: a comparison of Library of Congress and British Library Monograph cataloging". *LRTS*. 63(2): PP. 209-223.

Korotkin, A.L.; Oliver, L.H. (1964). *The Effect of Subject Matter Familiarity and Use of an Indexing Aid Upon Inter-Indexer Consistency*. Bethesda, Maryland: General Electric Company.

Kranz, J. (1988). "Microcomputer software cataloging: the need for consistency". *cataloging and Classification*. 9(1): 83-96.

Leonard, Lawrence E. (1977). "Inter-indexer consistency studies, 1954-1975: a review of the literature and summary of study results". University of Illinois, Gradut School of Library Science.

Lilley, Oliver (1986). "Subject access in online catalogs: a design model". *Journal of the American Society for Information Science*. 37(6): 357-376.

Library of Congress Rules Interpretations (1989). 2nd ed. Washington: Cataloging Distribution Service, Library of Congress.

Markey, Karen (1984). "Inter-indexer consistency test: a literature review and report of a test of consistency in indexing visual material". *Library and Information Science Research*. 6(2): 155-157.

Mann, T. (1997). "Cataloging must change and indexer consistency studies". *Cataloging & Classification-Quarterly*. 23(314): 3-45.

Oddy, Pat (1996). *Future Libraries; Future Catalogues*. London: Library Association.

Olson, Hope A. (2002) "Between Control and Choice: An Ethical Perspective on Authority Control. [e-mail]

Painter, A.F. (1963). *An Analysis of Duplication and Consistency of Subject*

- Indexing Involved in Report Handling at the Office of Technical Services.*
Washington, D.C: Department of Commerce, Office of Technical Services.
- Preschel, B.M. (1972). *Indexer Consistency in Preception of Concepts and in Choice of Terminology.* New York: Columbia University.
- Rodgers, D.J. (1961). *A Study of Inter-Indexer Consistency.* Washington, D.C. General Electric Company.
- Russell, Martha A (1991). "Inconsistencies in subject heading in young adult resources". *Journal of Youth Services in Libraries.* 5(1): 87-92.
- Sparck Jones, Karen (1973). *Linguistic and Information Science.* New York: Academic Press.
- Tarr, Daniel; Borko, Harold (1974). "Factors influencing inter-indexer consistency". in *Proceeding of the American Society for Information Science. Vol. 11: 37th Annual Meeting.* Washington, D.C.: ASIS, PP. 50-55.
- Tinker, John F. (1970). "Imprecision in meaning measured by inconsistency of indexing". in Tefko Saracevic (ed). *Introduction to Information Science.* New York: Bowker, PP. 547-553.
- Tonta, Y. (1991). "A study of indexing consistency between library of Congress and British Library Catalogers". *Library Resources & Technical Services.* 35(2): 177-185.
- Vicery, B.C. (1970). *Techniques of Information Retrieval.* London: Butterworths.
- Wilson, Patrick (1985). "Subjects and the sense of position". in *Theory of Subject Analysis.* ed. by Lois Mai Chan ... [et al]. Littleton, Colo: Libraries Unlimited, PP. 308-325.
- Zunde, Pranas; Dexter, Margaret E. (1984). "Indexing consistency and quality". in *Introduction to Information Science.* Compiled and edited by Tefko Saracevic. New York: R. R. Bowker Co, PP. 563-571.